

# بازجستن ضرابخانه‌های ایالت پارس در دوره ساسانیان بر اساس زبان نرفته‌های سکه‌های ساسانی ( در مقایسه با کتیبه‌های فارسی میانه پرسپولیس با کتیبه اورزگان )

## مریم انصاری

استادیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

## عباس عاشوری نژاد

استادیار گروه زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

### چکیده:

مهمترین ضرابخانه‌های ساسانی در ایالت پارس قرار داشتند. این ضرابخانه‌ها به ضرب سکه‌های نقره با عیار ثابت و به مقدار زیاد ضرب می‌کردند. به نظر می‌رسد که معادن طلا و نقره در ایالت پارس بسیار کم بوده است. بین کمی معادن نقره استان و فراوانی سکه ضرب شده در اواخر دوره ساسانی تناقضی وجود دارد. فراوانی و پراکنندگی سکه‌های ضرب شده در ضرابخانه‌های اصلی این ایالت را به مرکزی مهم مالی تبدیل کرده بود. موقعیت جغرافیایی آن در پس کرانه‌های خلیج فارس، آن‌جا را به مکان مهمی برای حمل و نقل و تجارت زمینی و دریایی تبدیل کرده بود. به نظر می‌رسد که بین تجارت در خلیج فارس با ضرب سکه در اواخر دوره ساسانی ارتباط مستقیمی وجود داشته است. تعدادی از سکه‌هایی که در ضرابخانه‌های اصلی فارس ضرب می‌شده در بنادر جنوب غربی چین و هند که ساسانیان در آن بنادر یا مکان‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند پیدا شده است. در این پژوهش بر آنیم که بین فراوانی سکه‌های ضرابخانه ایالت پارس و تجارت در منطقه خلیج فارس بر اساس سکه‌های یافت شده در مناطق دوردست ارتباط بیابیم. افزون بر آن علاوه بر معرفی ضرابخانه ایالت پارس به معرفی ضرابخانه‌ای پیردازیم که تا کنون به عنوان ضرابخانه ناشناس معروف بوده است که با توجه به شواهد موجود احتمال داده می‌شود که در نواحی جنوب غربی ایالت پارس اشاره به شهر برازگان یا برازجان امروزی است تا اشاره به ایالت اورزگان در افغانستان امروزی.

واژگان کلیدی: ساسانیان، پارس، برازگان، ضرابخانه، خط پهلوی، اورزگان.

## مقدمه

برای باز شناختن ضراب خانه های ساسانی می توان از مهره ها یا کتیبه های فارسی میانه بهره جست. در طی نزدیک به دو قرن محققان سکه شناسی با بهره گیری از مهره ها یا کتیبه های فارسی میانه به رمز گشایی علامت اختصاری حک شده بر پشت سکه های ساسانی نایل گردیده اند. علی رغم کوشش هایی که برای یافتن این ضراب خانه ها صورت گرفته است هنوز تعدادی از این علائم اختصاری که بر پشت سکه ها ضرب شده اند ناشناس باقی مانده اند. در این پژوهش نیز ما با بهره گرفتن از «کتیبه فارسی میانه» سعی در یافتن این ضراب خانه ناشناس نموده ایم. کتیبه فارسی میانه پرسپولیس در مقایسه با کتیبه اورزگان از اهمیت بیشتری برای ما برخوردار است. کتیبه اورزگان به زبان یونانی نوشته شده است و در ولایت «ارزگان» افغانستان است. در این ولایت سنگ نبشته های متعددی موجود است که بیانگر حضور کیش مهر پرستی در سده پنجم در آن وادی بوده است. کتیبه پرسپولیس به فارسی میانه می باشد. نکته ای که باید بدان توجه داشت این است، که تشابه های نام مکان هایی که به یک نام خوانده می شوند کمتر مورد توجه قرار گیرد.

بر پشت تعدادی از سکه های ساسانی نام ضراب خانه ای دیده می شود که تا کنون محققان در باز شناختن نام این ضراب خانه و شناسایی محل ضرب این ضراب خانه با شک و تردید اظهار نظر کرده اند (Daryaei, 1323: 2009). در میان ضراب خانه هایی که تاکنون شناسایی شده اند ضراب خانه ای دیده شده است که تاکنون محققان در مورد محل ضرب این ضراب خانه هیچ نظر قطعی اعلام نشده است و معروف به «ضراب خانه ناشناس» و با علامت اختصاری WLC بر پشت سکه ساسانی ضرب می شده است. در این مقاله به بررسی ضراب خانه های ایالت پارس و همچنین به معرفی ضراب خانه ناشناسی که احتمال داده میشود در نواحی جنوب غربی ایالت پارس واقع شده باشد می پردازد و افزون بر آن به چگونگی دست یافتن به مکان این ضراب خانه بر اساس کتیبه ای در پرسپولیس بر اساس شواهد تاریخی و تحولات آوایی و دستاوردهای باستانشناسی مورد بررسی قرار گرفته است. کتیبه فارسی میانه پرسپولیس از آن جهت سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا تعداد سکه هایی که در ضراب خانه WLC ضرب می شده است بسیار نادر می باشد و تاکنون این ضراب خانه ناشناس باقی مانده است؟

به نظر ما یکی از مهمترین دلایلی که برای کمی سکه های این ضرب خانه باید در نظر گرفت همان ناشناس بودن محل این ضرب خانه بوده است. زیرا به هنگام بررسی به دلیل ناشناس بودن محل ضرب کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تعدادی از این سکه ها نا خود آگاه جزء سکه های نا خوانا قرار گرفته اند، که به نظر ما دوباره بایستی با دقت بیشتری مورد بررسی قرار بگیرند. از دیگر عواملی که باید در نظر داشت این است که اگر این ضرب خانه در ایالت پارس قرار داشته است جزء اولین مناطقی بوده است که توسط اعراب مسلمان به تصرف در آمده است. در گذشته، یک فرض وجود داشته و آن این است که وقتی سکه ای متعلق به هر دوره ای که باشد و در ایران پیدا شده باشد اما از نظر کیفیت پایین بوده تنها به منظور استفاده از فلزی که در آن سکه به کار رفته است خیلی زود به کوره های مذاب ریخته می شده است. با رشد سریعی که در میان علاقمندان به سکه های که در ایران (شامل سکه های که قبل از اسلام و یا بعد از آن) ضرب می شده است، نشانه هایی وجود دارد که این سکه ها تنها به خاطر فلزات گرانبهایی که در آن به کار رفته اند مورد استفاده قرار نمیگیرند بلکه این سکه ها برای بررسی تاریخی نیز از اهمیت خاصی برخوردار می باشند.

یکی از راههایی که میتوان برای شناسایی شهرها و مکانهای باستانی که از آنها اطلاعاتی دقیقی در دسترس نیست بهره جستن از سکه های ساسانی و کتیبه های فارسی میانه، متون فارسی میانه، مهره ها، ... می باشد. بر پشت سکه های ساسانی نام شهرهایی که در آن به ضرب سکه می پرداخته اند به اختصار ضرب شده است. در این مقاله با مقایسه خط نوشته ای که بر پشت سکه ضرب شده بود و اشاره به نام محل ضرب می نماید و مقایسه آن با همان واژه به کار رفته در کتیبه پرسپولیس بوده است. به هنگام طرح این مساله با سوالات متعددی که از طرف محققان از جمله پروفسور شیندل، پروفسور دریایی، دکتر وستا سرخوش، ... مواجه شدیم زیرا در مورد این ضرب خانه ناشناس کمتر تحقیقی صورت گرفته است. این تحقیق از این جهت مورد اهمیت است که شاید با بهره گرفتن از روش مقایسه ای و بکار گیری دانش زبانشناختی باستانشناسی و تاریخی ره گشای یافتن شهرهای باستانی که در دل خاک مدفون شده اند و با خود رازهایی را پنهان نموده اند باشد. هر چند که ما با استناد به مدارک موجود به شناسایی نام این محل پرداخته ایم، اما در نهایت این حرف آخر در مورد این ضرب خانه ناشناس نمی باشد.

نکته دیگری که از اهمیت خاصی برخوردار است تعداد فراوان سکه هایی می باشد که در ضرب خانه ایالت پارس ضرب شده اند که در این مقاله به معرفی سایر ضرب خانه های این

ایالت می پردازد. سوالی که در اینجا مطرح می شود آن است که با توجه به کمی معادن نقره و مس در ایالت پارس چرا ضراب خانه ها سکه هایی با عیار ثابت و به وفور ضرب می نمودند؟ معادن طلا و نقره به نظر می رسد در ایالت پارس بسیار محدود بوده است. بر خلاف این امر سکه های فوق العاده با کیفیت ثابت و به وفور در ضرابخانه های اصلی که عبارتند از اردشیر خوره، بیشاپور، دارابگرد، استخر و وه از-امید کواد در اواخر دوره ساسانی بوده اند که به نقره سکه می پرداختند. کمی معادن در ایالت پارس علی رغم داشتن ضراب خانه های فعال امری غیر قابل انکار می باشد. در حدود العالم تنها اشاره به معدن نقره در استخر و معدن دیگری در شرق فارس در نایین شده است. (حدود العالم، ۱۳۱-۱۳۶). اصطخری به این مطلب اشاره می کند که ایالت پارس نقره کمی داشته است. (مسالیک و ممالیک، ۱۳۵). در فارس نامه ابن بلخی هیچ اشاره ای به معادن نقره این ایالت نشده است به نظر ما یکی از دلایلی که ضراب خانه های ایالت پارس به مقدار زیاد سکه ضرب می کردند به دلیل آن است که در هیچ دورانی تجارت در خلیج فارس مانند این دوره (ساسانی) تحت نظارت جدی قرار نگرفته بود. در گذشته تصور می کردند که دلیل فراوانی و پراکندگی سکه های ساسانی به دلیل مبارزات نظامی خسرو اول و خسرو دوم بوده است. که به نظر ما بین پراکندگی سکه های ساسانی که به دلیل تجارت سود آور بوده است که در ایالت پارس علی رغم کمی معادن نقره به ضرب سکه می پرداختند.

برای درک ماهیت تغییراتی که در حکومت ایرانیان در دوره ی پیش از اسلام روی داده است، بایستی هم آثار مکتوب و افزون بر آن شواهد باستانشناسی نیز مورد بررسی قرار گیرد. مطالعات باستانشناختی اطلاعات ارزنده ای در رابطه با منطقه خلیج فارس و چگونگی ارتباط آن با شاهنشاهی ساسانیان به دست آمده است. بسیاری از منابع مکتوبی که برای مطالعه دوران پیشا اسلامی موجود میباشد، معمولاً تاریخ نامه های فارسی - عربی میباشند که در دوران خلفای اسلامی به نگارش در آمده اند. بنابراین، برخی از کتیبه های فارسی میانه اطلاعات بسیار ارزنده ای در مورد دیدگاه رایج در دوران ساسانی در مورد منطقه خلیج فارس در زمینه تاریخی - جغرافیایی را فراهم می سازد.

در زمان ساسانیان (۶۵۱ - ۲۲۶ م.) تقسیمات کشوری ایران عبارت بود از: سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ (شهرستان) و رُستاگ (دهستان) (حموی، ۱۳۹۹ : ۴۱). حکام ایالات ساتراپ ها یا مرزبان ها نام داشتند و از مستخدمان عالی دولت محسوب می شدند (کریستن سن،

۱۳۸۹: ۱۴۷). از زمان خسرو انوشیروان (۵۳۱ م.)، سرزمین‌های ایران به چهار قسمت بخش شد که عبارت بودند از: اپاختر (شمال)، نیمروز (جنوب)، خوراسان (مشرق) و خوروران (مغرب)، هر بخش را «پاذگس» نام نهادند و برای هر پاذگس، فرمانروایی تعیین کردند که او را «پاذگسبان» می‌نامیدند (مشکور، ۱۳۶۶: ۱۰۵). در تقسیمات اداری ساسانیان، خلیج فارس در یکی از چهار بخش قرار می‌گرفت. این اصلاحات اداری در دوران خسرو اول در قرن ششم میلادی اجرا شد (Daryaei, ۲۰۰۳: ۱۲). این بخش کوست خوروران بخش جنوب غربی نام داشت. بر اساس متنی به زبان فارسی میانه، این ناحیه به دو منطقه تقسیم شده بود: شهر حیره را شاپور اردشیران ساخت (و) مهرزاد، مرزبان حیره، را در (ناحیه ی) دریای تازیان بگمارد (Daryaei, ۲۰۰۲: ۱۸، ۱۹). همچنین شهر آسور و شهر به اردشیر را اردشیر اسفندیاران ساخت. (و) اوشک هگری را به مرزبانی دوسر و بورگل بر دیوار تازیان بگمارد (عریان، ۱۳۷۱: ۶۸). این مطالب نشان می‌دهد که خلیج فارس از اوایل قرن سوم میلادی تا سلطه اعراب مسلمان، در قرن هفتم میلادی، ساسانیان به منطقه خلیج فارس توجه ویژه ای داشته‌اند و مرزبانان آنها در این منطقه مستقر بوده‌اند.

درباره تاریخ خلیج فارس در دوران پیش از اسلام روز به روز مدارک بیشتری یافت می‌شود اهمیت این موضوع در این است که اطلاعات ما در مورد خلیج فارس، در مقایسه با دریای مدیترانه و دریای سیاه کمتر است. شاهنشاهی اشکانی (۲۴۷ پ. م. ۲۲۴ م.)، که در دوران باستان بر خاور نزدیک حکم می‌راند، از منافع تجارت در جاده ابریشم، که از خشکی و دریا می‌گذشت، بهره‌مند بود. شاهنشاهی اشکانیان به روش ملوک الطوایفی اداره میشد. با تکیه بر این نظام شاهنشاهی، پادشاهی محلی شمال و جنوب خلیج فارس نیمه مستقل بودند. برای مثال شواهدی از وجود شاه یا حکمرانی محلی به نام سنتروک در دست است که بر بحرین حکومت می‌کرد (Tabri, ۱۹۹۹: vol. ۱۵: ۵). نام او گواه پارتی بودن اوست، بنابراین، می‌توان احتمال داد که او را شاهنشاه اشکانی به این سمت منصوب کرده بوده است. در این زمان به عنوان «اربرخ» هم بر می‌خوریم. اربرخ مقام بلند پایه ای در دوران اشکانی بود که به نظر می‌رسد پاسداری از مناطق بیابانی محل سکونت اعراب را به عهده داشته است (Colledge, ۱۹۶۷: ۶۳). بنابراین، اشکانیان از اهمیت استان‌های جنوبی شاهنشاهی استان‌های جنوبی شاهنشاهی خود آگاه بوده‌اند و تسلط بر این نواحی برای آنان مهم بوده است.

با به قدرت رسیدن اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۰ م.)، شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.) پایه‌گذاری شد که از این پس ایرانیان برای تسلط بر خلیج فارس هماهنگ‌تر از پیش عمل خواهند کرد. دلایل کافی

در دست است که نشان می‌دهد ساسانیان موجب تغییرات و روند جدیدی در خلیج فارس شدند و، همان طور که رومیان مدیترانه را “دریای ما” می‌نامیدند، ساسانیان هم خلیج فارس را بخشی از ایران‌شهر، یعنی ملک ایرانیان، می‌دانستند.

ساسانیان در گذرگاه تاریخ، بانی شهرها به شمار رفته‌اند و منابع تاریخی مختلف از کثرت و وسعت شهرسازی که تقریباً در دوران بیشتر فرمانروایان این سلسله معمول بوده است، گزارش می‌دهند. اوضاع مطلوب اقتصادی، تجاری و مقتضیات سیاسی و نظامی در ایجاد شهرها تأثیر بسزایی در زمان ساسانیان داشته است. دو پادشاه نخستین این دودمان، اردشیر و شاپور، از بزرگترین موسسان شهرها در این سلسله به شمار می‌روند. نام اغلب این شهرها در روایات ایرانی و عرب و کتب تاریخی که در قرون اولیه اسلامی نگارش یافته، ثبت گردیده است (سرفرازآوزرمانی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). بیشتر یا قسمتی از این کتب ترجمه و برگردان کتاب خداینامک دوران ساسانی هستند، مانند شاهنامه فردوسی، تاریخ طبری، اخبار الطول، تاریخ مسعودی، ... از منابع دیگر که نام شماری از شهرهای ساسانی در آن ثبت شده، رساله پهلوی شهرستانهای ایران است. این کتاب در زمان عباسیان و در دوران حکومت خلیفه ابوجعفر منصور دوانیقی (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق.) از متن کهنتری اقتباس و باز نویسی شده است. رساله مذکور شامل اسم و شرح ساختن تعدادی از شهرهای بزرگ به وسیله فرمانروایان ایران از قدیمترین ایام تا زمان ساسانیان است که در آن بازسازی و پایه گذاری بیش از ۲۶ شهر به فرمانروایان ساسانی نسبت داده شده است. همچنین سنگ نبشته شاپور اول بر کعبه زرتشت در نقش رستم که در آن فهرست شهرهایی که در قلمرو فرمانروا بوده، یاد شده است. مورخان رومی و ارمنی نیز در کتابهای خود به مناسبت‌هایی از شهرهای آن دوره نام برده‌اند. سکه‌های ساسانی نیز از مدارک گرانقدری هستند که در شناسایی شهرهای ساسانی موثرند. بعضی از این شهرها با اندیشه توسعه اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و برخی دیگر از دیدگاه نظامی و سوق الجیشی موجودیت یافته یا بازسازی و احیا گردیدند. دفع تجاوز و مقابله با دشمنان برون مرزی، مخصوصاً امپراتوری روم در این دوره نه تنها در سیاست خارجی، بلکه در امور داخلی ایران و توسعه شهرها موثر بود. دوره ساسانی از نظر ازدیاد مداخل و مصنوعات مهمتر از ادوار سابق می‌باشد. قسمی تعادل در همه‌ی وجوه حیات و فعالیت بشری در حوضه‌ی بحرالروم پدید آمد که هم در امپراتوری روم و هم در شاهنشاهی ساسانی تجلی کرد. این بخش از جهان کهن از این نظر، بر اروپای جنوبی، مرکزی و شمالی قطعاً رجحان داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۴۰۴).

سکه‌های ساسانی-سیمین، مسین، و به ندرت زرین در مبادلات تجارتي، در منطقه ای وسیع جریان داشت. در شهرها، استعمال سکه وسعت یافت، و تعداد فراوانی از درهم های سیمین ساسانی در ایران یا در ممالک مجاور یافته شده است. در مناطق روستایی، غالباً مزد زارعان، سربازان، کارگزاران، و حتی مالیات هم جنسی پرداخت می شده، و این سنت در بعض نواحی تا عهد ما هم ادامه یافته است. اما تجارت خارجی کاملاً بر پایه ی اقتصاد مبتنی بر مسکوکات مستقر بوده است.

هرگز در ادوار سابق تجارت مانند این دوره (ساسانی) تحت نظارت جدی قرار نگرفته بود، و این امر دولت را مجبور کرد برای وسایل متزاید حمل و نقل در جاده، ایستگاهها و کاروانسراه و آب انبارها بسازد. عمال مخصوص برای این خدمت معین شده بودند و ایستگاههای سر حدی و بنادر دریایی را مراقبت و نظارت می کردند. همچنین دولت انحصاری تحت اختیار خود داشت که مهمترین آنها ابریشم خام بود که از چین وارد می شد، و مخصوصاً در کارگاههای سوری - فینیقی انرا به کار می بردند، و به زودی مردمی که پادشاهان ساسانی آنان را در سرزمینهای ایران جایگزین کرده بودند با ایشان رقابت نمودند، و از میان کارگاههای شوش، جندی شاپور از جهت مصنوعات خود شهرت یافتند. ظروف سفالین تجملی، مصنوعات شیشه یی سوری - فلسطینی و اسکندرانی به ایران وارد میشد. مبادله ی منسوجات و تجارت آلبسه بسیار قابل توجه بود. تجارت بین المللی موجب ایجاد مستعمرات بازرگانان گردید.

در میان این سرزمین ها، سرزمین پارس، در جنوب ایران، به لحاظ نقش خاستگاهی، مرکزیت دینی و سیاسی و موقعیت اقتصادی و تجاری، مهمترین ایالت این شاهنشاهی محسوب می شد. به ویژه، از دوره خسرو انوشیروان (۵۳۱ م.) به بعد، که به دلیل تغییر و تحولاتی که در جامعه و حکومت ساسانی پدید آمد و منجر به نظم و انضباط سازمان حکومت ساسانی گردید، و امنیتی بی سابقه پدید آمد و از این زمان تجارت به طور فوق العاده ای رونق یافت (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۵۰۵). ایالت پارس از موقعیت ممتازی برخوردار شد. تولیدات ایالت پارس نظیر همچون پارچه‌های کتانی و ابریشمی یا فرش و مروارید، که اهمیت صادراتی داشت، تا چین و سایر نواحی دور دست فرستاده می شد. در همین راستا احتمال دارد به دلیل تولید انبوه پارچه های کتانی، کشت کتان نیز در آن جا معمول شده و بر اعتبار اقتصادی آن می افزود (شواتس، ۱۳۷۲: ۲۰۵). موقعیت جغرافیای پارس و به ویژه قرار گرفتن آن در پس کرانه خلیج فارس، که آن را به مکان مهمی برای حمل و نقل و تجارت زمینی و دریایی تبدیل کرده بود، موجب افزایش

میزان ثابت ضرب سکه در آن ایالت شده. علت این امر، افزون بر نیاز ناشی از سیاست‌های جنگی و برخوردهای نظامی ساسانیان با بیزانس، رونق تجارت با سایر سرزمین‌ها و به خصوص از راه خلیج فارس بود. جدا از سکه‌ها و مهرهای کشف شده در این ایالت، دیگر یافته‌های باستان‌شناسی در بنادر دو سوی خلیج فارس و همچنین بنداری از چین و هند، نشان از گستره و حجم تجارت ساسانیان از طریق دریا دارد.<sup>۱</sup> (افشار، ۱۳۷۶: ۲۹۴)

محدوده گسترش ایالت پارس در سواحل خلیج فارس و مساله اقتصاد و تجارت دریایی که گاه روابط سیاسی ساسانیان با همسایگان و رقبای خود را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داد؛ باعث دوچندان شدن اهمیت اقتصادی و سیاسی ایالت پارس شده بود. پس از کسادی جاده ابریشم و از رونق افتادن تجارت زمینی به سبب جنگ‌های ایران و بیزانس و بالا بردن عمدی تعرفه‌های گمرکی و ایجاد تورم در قیمت ابریشم از سوی ساسانیان، امپراتور «ژوستینیان» در پی یافتن راه‌های جدید بازرگانی به سمت دریای سرخ و اقیانوس هند کشیده شد تا از راه دریا با سرزمین‌های شرقی رابطه برقرار کند. به همین دلیل و با رونق تجارت دریایی، ایالت پارس و بنادر آن و به طور کلی تجارت خلیج فارس اهمیت فراوان یافت و پارس به مرکز مهم تجارت با سرزمین‌های دور و نزدیک تبدیل شد. این موضوع را حجم بالای ضرب سکه در ضرابخانه‌های پارس در اواخر دور ساسانی و همچنین کشف بسیاری از سکه‌ها و مهرهایی با نام شهرهای پارس در بنادر چین و هند تایید می‌کند (کیان راد، ۱۳۸۸: ۱).

پس از آمدن اسلام و پیروزی اعراب و شکسته شدن مرزهای سیاسی دولت ساسانی، در نوشته‌های مورخان دوره نخست اسلامی واژه‌های فارس و فُرس که معمولاً به همراه ایران‌شهر، و جای واژه‌ی ایران به کار رفته، نشان دهنده اهمیت فارس در قرون نخستین اسلامی بوده است. چنان که حمزه اصفهانی (قرن ۴ هجری ق.) بیشتر از کلمه فارس و آریان استفاده کرده و تنها یک بار واژه «ایران» را به کار برده است (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۰).

ایالت پارس در زمان ساسانیان به پنج کوره تقسیم شده بود: ۱- اردشیرخوره به مرکزیت گور یا جور (فیروزآباد کنونی) ۲- شاپورخوره به مرکزیت شاپوریا بيشاپور<sup>۲</sup> (کازرون کنونی) ۳- داربگرد یا داراب خوره (به مرکزیت دارابگرد یا داراب کنونی) ۴- استخر<sup>۳</sup> (که ویرانه‌های آن بین



تخت جمشید و پاسارگاد قرار دارد) ۵-قباد خوره به مرکزیت ارگان یا ارجان(بهبهان کنونی)<sup>۴</sup> (گابو، ۱۳۵۹: ۱۰).

اعراب تقسیمات کشوری ساسانیان را پذیرفتند و در اوایل دوره اسلامی هر منطقه فارس تحت فرمانروایی یک حکمران عرب قرارگرفت (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۴۹).

حدود جغرافیای تاریخی کوره های پنج گانه فوق بدین قرار است که کوره استخر که از نظر وسعت از همه ولایات دیگر بزرگتر بود و شمال و شمال شرقی آن خطه را شامل می‌شد. شهرهایی مانند استخر، یزد، میبد و نایین جزء کوره استخر بودند. مرکز این کوره در دوره قبل از اسلام شهر استخر بود و بعد از اسلام نیز تا زمانی که استخر اهمیتی داشت، مرکز این کوره محسوب می‌شد. همچنین شهرهای کوچکی مانند آباءه، اقلید، بیضا و یزدخواست جزء این کوره به حساب می‌آمدند. کوره دارابگرد، شامل شهرهایی چون دارابگرد، فسا، ایج، جهرم، اصطهبان، جویم (گویم) و ابی‌احمد بود. کوره اردشیر یا اردشیرخوره در زمان ساسانیان بخش جنوبی فارس از فیروزآباد تا سیراف و دهستان نایبند در جنوب غرب و از آنجا تا بندر مهروبان (ماهی‌روبان) در جنوب شرق خلیج فارس را شامل می‌شده‌است. این کوره در سال ۱۹ هجری قمری به دست مسلمانان به فرماندهی عثمان ابن ابی‌العاص فتح شد. شهرهای فیروزآباد (جور)، شیراز، توج (توز) و سیراف جزء کوره اردشیر یا اردشیرخوره بودند. مرکز این کوره، شهر فیروزآباد بود. کوره شاپور یا شاپورخوره شامل شهرهای شاپور، کازرون، نوبندجان و غندجان بود. مرکز این کوره شهر شاپور بود. کوره قباد یا قبادخوره شامل شهرهای ارجان (ارغان، بهبهان کنونی)، جنابا (جنابه، بندر گناوه فعلی)، ریشهر، مهروبان (ماه‌روبان) و سینیز بود. مرکز این کوره شهر ارجان (بهبهان) بود (نهجیری، ۱۳۷۰: ۳۵۸). در این پژوهش در راستای اهمیت ایالت پارس در دوره ساسانیان و به خصوص اهمیت اقتصادی و تجاری آن، به بازجستن ضرابخانه‌های این ایالت مهم پرداخته شده است.

### ضراب‌خانه‌های ساسانی

نام ضراب‌خانه‌ها بر پشت سکه‌های ساسانی به کامل یا به صورت اختصار نوشته شده‌اند. نام ضراب‌خانه‌ها بر سکه‌های عرب - ساسانی نیز به شیوه نگارش سکه‌های ساسانی است. عربها بعد از استیلا بر ایران نام ایالتها و شهرها را به سلیقه خود و به گونه‌ای که تلفظ آن برایشان آسان بود تغییر دادند. از این رو نام شماری از ضراب‌خانه‌ها ناشناخته مانده است. برای شناخت بیشتر این گونه ضراب‌خانه‌ها و موقعیت آنها می‌توان از سکه‌های ساسانی بهره جست. این سکه‌ها نه تنها گوشه‌هایی از هنر و فرهنگ ساسانی را نمایان می‌سازند بلکه به وسیله آنها می‌توان نکات تاریخی، موقعیت تاریخی و جغرافیایی این شهرها را، که امروز به آسانی امکان پذیر نیست، باز جست.

در متن پهلوی «شهرستان‌های ایران» به نام شهرهایی برمی‌خوریم که بازجستن و تعیین موقعیت آنها به آسانی امکان پذیر نیست.

یکی از راههایی که میتوان برای شناسایی شهرها و مکانهای باستانی که از آنها اطلاعاتی دقیقی در دسترس نیست بهره جستن از سکه‌های ساسانی می‌باشد. بر پشت سکه‌های ساسانی نام شهرهایی که در آن به ضرب سکه می‌پرداخته‌اند به اختصار ضرب شده است. بنا بر معمول در زمان ساسانیان از همان تاریخ ضراب‌خانه پایتخت به نام شاهان ساسانی به ضرب سکه می‌پرداختند که همین امر کمک به مطالعات تاریخی را در مورد شاهان این سلسله فراهم آورده است (بیانی، ۱۳۵۴: ۴۳). بر مبنای اطلاعات موجود بر روی و پشت مسکوکات دوره ساسانی می‌توان به مدارکی به دست آورد نه تنها احتمال شناسایی شهرها و موقعیت جغرافیایی آنها وجود دارد، بلکه بسیاری از نکات مبهم تاریخی را می‌توان روشن کرد. در این پژوهش ضمن معرفی ضراب‌خانه‌هایی که در ایالت پارس به دلیل اهمیت این مکانکه به ضرب سکه با عیار ثابت می‌پرداخته‌اند به معرفی ضرابخانه‌ای که احتمال داده می‌شود در شهر برازجان باشد پرداخته می‌شود.

در کتیبه پرسپولیس که در ایالت پارس واقع شده است، به واژه «ورازان» اشاره می‌نماید که همین امر باعث گردید که احتمال این که این ضراب‌خانه ناشناس در ایالت پارس باشد بسیار بیشتر از آن است که تنها به دلیل تشابه اسمی نام «ارزگان» در افغانستان امروزی بدانجا نسبت داده شود.

### ۱. ضرب‌خانه ارد<sup>۴۳</sup> وره ART

علامت اختصاری که برای این ضرب‌خانه به کار رفته ، به صورت <sup>۲</sup>tt حرف نویسی شده است (این واژه را به صورت <sup>۲</sup>wt نیز میتوان حرف‌نویسی کرد) و نشانه ضرب‌خانه‌ی «اردشیر خوره» در فارس است . درستی خواندن این واژه توسط هرتسفلد (Hertsfield) با توجه به مهر بدست آمده مورد تأیید واقع شده است (۴۲۳: ۱۹۳۸, Hertsfiel).

محقق دیگری که درستی خواندن این واژه را تأیید کرده، ریچارد فرای است که با بررسی مهر رسمی بدست آمده که در مرکز آن نبشته‌ای به صورت [I]txstl GDH'ndlcp<sup>۲</sup> دیده میشود، به واژه اردشیر خوره اشاره نمود و با مقایسه آن با سکه‌های ساسانی، که در این ضرب‌خانه ضرب می‌شدند، درستی خوانش این واژه را تأیید کرد (۱۶۳: ۱۹۷۳, Frye).

با توجه به مدارک و سکه های بدست آمده، «اردشیر خوره» نام یکی از بخشهای فارس بوده و بنا بر همین اسناد نام شهر اصلی در این بخش بوده است. این شهر اصلی «شهر گور» یا «جور» نیز نامیده می‌شد، اما در دوره‌ها اسلامی نام «فیروزآباد» بر آن گذاشته شده است. گفته می شود که اردشیر اول این شهر را بنا کرده است. (۱۴۴: ۱۹۳۸, Gyselen).

نام این ضرب‌خانه از زمان یزدگرد دوم بر پشت سکه‌های ساسانی ضرب شده ، اما در دوره پیروز از رونق چندانی برخوردار نبوده است و نمونه های اندکی از سکه های آن دوره در دست است. نام این ضرب‌خانه تا زمان یزدگرد سوم بر پشت سکه ها ضرب می شده است (۹۳: ۱۹۴۴, Paruck).

### ۲. ضرب‌خانه استخر<sup>۵</sup> سخر ST:

این علامت اختصاری، که ممکن است به صورت ST حرف‌نویسی شود، به احتمال بسیار نشانه ضرب‌خانه استخر در فارس است.

(۱۲۰ ; ۱۹۷۳: ۲۵۹, Gobl; ۱۸۷۹, Mordtmann). این علامت اختصاری در دوره ساسانیان از زمان بهرام پنجم تا اواسط سلطنت یزدگرد سوم بر پشت سکه‌ها ضرب می‌شده است. نام این ضرب‌خانه بر پشت سکه‌های عرب-ساسانی نیز دیده میشود.

(Walker, 1941: cxxix\_cxxx; Paruck, 1944: 121; Gaube, 1973: 103).

### ۳. ضرب‌خانه بیساپور<sup>۶</sup> BYŠ:

دس

این علامت اختصاری که به صورت **BYŠ** حرف نویسی شده بدون شک نشانه ضرابخانه بیشاپور در فارس است که نخستین بار هرتسفلد بر اساس نبشته‌ای که بر روی یک مهر بود، درستی این ضرابخانه را تایید کرد. این علامت اختصاری بر روی تعدادی از مهرهای نبشته‌دار به صورت نام کامل «بیشاپور» در مرکز آنها حک شده است (Frye, ۱۹۷۳:۶۳; Hertsfield; Paruck, ۱۹۴۴:۱۰۰, ۱۹۳۸:۴۱۸).

نام ضرابخانه‌ها معمولاً بر حاشیه پشت سکه‌ها ضرب می‌شده است، اما بر پشت تعدادی از سکه‌ها نام ضرابخانه در امتداد یکی از کنارهای آتشدان یا در میان ستون هرمی شکل وسط آتشدان، نام ضرابخانه حک شده است. در میان سکه‌های ساسانی، سکه‌ای متعلق به بهرام چهارم یافت شده است که سه حرف **BYŠ** در سمت چپ شعله و مابقی حروف نام ضرابخانه در ستون هرمی شکل به صورت **hpwl** دیده می‌شود. این سکه مهر تاییدی است برای درستی نام تمامی ضرابخانه‌های ساسانی که به صورت سه حرفی **BYŠ** بر سکه‌ها ضرب شده است (۲۳ : Mochiri, ۱۹۷۲).

نام این ضرابخانه نخستین بار بر پشت سکه‌های بهرام چهارم حک شده است. این ضرابخانه هم در دوره ساسانیان و هم در دوره عرب - ساسانی رواج داشته است. (Walker, 1941:cx\_cxi; Paruck, 1944:100; Gaube, 1973:92).

..۸



تصویر ۱. (مشیری، ۱۹۷۲: ۲۳)

۴. ضربابخانه دا ۳ DA:

علامت اختصاری این ضربابخانه به صورت DA حرف نویسی شده که عموماً به عنوان نشانه ضربابخانه‌ی دارابگرد در فارس مورد تایید واقع شده است.  
(Paruck, 1944: 116; Mordtmann, 1973: 259; Gobl, 1944: 103)

بر پشت سکه‌ای از یزدگرد اول نام ضربابخانه دارابگرد به صورت کامل d'l'pk (Dārāpk[ert]) حک شده است که درستی حروف اختصاری DA ضرب شده بر پشت سکه‌های ساسانی را تایید می‌کند<sup>۷</sup>. (Mochiri, ۱۹۷۲: ۲۴)

نام ضربابخانه «داراب گرد» از زمان بهرام چهارم تا دوره عرب- ساسانی بر پشت سکه‌ها مشاهده می‌شود.

در زمان خسرو دوم این ضربابخانه از رونق برخوردار بوده و از جمله ضربابخانه‌های اصلی محسوب می‌شده است.

(Walker, 1941: cxvii\_cxvi; Paruck, 1944: 103; Gaube, 1973: 4)

۵. ضرابخانه ویسپ شاد خسرو WYHC:

این علامت اختصاری <sup>الله</sup> که گاهی به صورت WYHC.NYHC یا VSP حرف‌نویسی می‌شود، نخستین بار بر پشت سکه قباد اول، و پس از آن بر پشت تعداد کمی از سکه‌های متعلق به خسرو اول<sup>۹</sup> ضرب شده بود. این ضراب‌خانه تا زمان یزدگرد سوم از رونق برخوردار بوده است اما کمتر سکه‌ای از آن، متعلق به دوران عرب - ساسانی بدست آمده است. برخی از محققان این علامت اختصاری را متعلق به ضراب‌خانه و اردشیر می‌دانند. (۱۶۳: ۱۹۶۳، Bivar: ۲۵۹: ۱۹۷۳، Gobl)، که در عراق کنونی واقع است، امامشیری این علامت اختصاری را نشانه ضراب‌خانه ویسپ شاد خسرو می‌داند. (Mochiri, 1972: 39\_40; ibid.: 1997: 233\_249).

گروهی دیگر از پژوهشگران این علامت اختصاری را جایگزین ضراب‌خانه نیشاپور می‌دانند<sup>۹</sup> (۱۲۰: ۱۸۷۹، Sellwood; Mordtmann: ۴۹، ۱۹۸۵). گیزلن (Gyselen) آن را به صورت وه - از - امید - کواد خوانده است. به نظر او «ارجان» نام بخشی از فارس بوده و یکی از شهرهای اصلی محسوب می‌شده و در اواخر دوره ساسانیان به نام وه [از] امید کواد معروف بوده است. او کواد اول را مؤسس این شهر و این ضراب‌خانه را مربوط به ارجان می‌داند. (Gyselen and Kalus, 1983: 51\_141).

۶. ضراب رگ د YZ:

این علامت اختصاری گاهی به صورت RZ یا LZ حرف‌نویسی شده و ممکن است به صورت YZ نیز حرف‌نویسی شود و جایگزین نام ضراب‌خانه «یزد» باشد. (Mochiri, 1972: 48\_51; Sellwood and Williams, 1985: 44\_47).

پیش از این برخی محققان این علامت اختصاری را جایگزین نام ضراب‌خانه زرنگ در سیستان فرض می‌کردند که مورد تایید قرار نگرفت .

(Bivar,1963:163;Gobl,1971:83).

این علامت اختصاری نخستین بار بر پشت سکه‌های پیروز و نیز بر پشت سکه‌های عرب - ساسانی ضرب شده ؛ اما تعداد این گونه سکه‌ها بسیار کم است.  
(Walker,1941:129 \_130;Paruck,1944,cxxi).

#### ۰۷- ضراب‌خانه‌برازجان: <sup>۱۰</sup>WLC

این علامت اختصاری <sup>۱۰</sup>WLC که به صورت حرف نویسی می‌شود، به صورت WRC, NLC, NRC نیز قابل خواندن است و به ضراب‌خانه ناشناس معروف شده است (۲۴۳ Malek,1۹۹۳).

در میان سکه‌های خسرو اول، سالهای (۴۸.۴۷.۴۶.۴۵.۴۱.۳۸.۳۴.۳۱.۲۰.۱۹.۱۸.۷) و همچنین هرمز چهارم سالهای (۱.۷.۵.۳) و نیز اردشیر سوم سال(۲) نام این ضراب‌خانه دیده می‌شود. (جدول ۱۱- ۱۰: Gobl,1۹۵۴).

گوبل این سکه‌ها را متعلق به ضراب‌خانه ای ناشناس در شمال شرقی شاهنشاهی ساسانیان میدانند (Gobl,1۹۵۴:۹۳). او با استناد به کتیبه‌ی سه زبانه شاپور یکم، که نام گرجستان در سطر ۳۰ آن به صورت واژه فارسی میانه (Wlwc<sup>3</sup>n) و در سطر ۲۵ در تفسیر پهلوی اشکانی آن به صورت WYRshN و در برگردان یونانی آن IBERIAS آمده است، احتمال می‌دهد که این علامت اختصاری نام گرجستان باشد. (Gobl,1954:93).

سیرز (Sears) نظر گوبل را نپذیرفته و این علامت اختصاری را WLC خوانده است . به نظر او با توجه به این که نام WLC بر پشت سکه‌های اردشیر سوم (تصویر ۱) و بوران ضرب شده، و همچنین در پی لشکرکشی‌های موفقیت‌آمیز بیزانس از ارمنستان تا تیسفون طی سالهای (۶۲۸\_ ۶۲۷) خیلی سخت می‌توان باور کرد که در طی این سالها، ساسانیان بر سرزمین‌های دوردستی در قفقاز مانند گرجستان کنترل کامل داشته‌باشند (Sears,1۸۰:۱۹۹۷).

احتمال دیگری که در مورد علامت اختصاری WLC داده می شود آن است که این محل ضرب در ولایت «ارزگان» افغانستان است. در این ولایت سنگ نبشته های متعددی موجود است که بیانگر حضور کیش مهر پرستی در سده پنجم در آن وادی بوده است. کشف کتیبه هایی به خط یونانی در ارزگان که حدود ۵۰۰ میلادی نوشته شده است از گذشته تاریخی منطقه خبر میدهد (Bivar, ۱۹۵۴: ۱۱۵). این کتیبه ها بیشتر از این جهت مورد اهمیت می باشند که بیشتر نشان دهنده ترویج آیین مهر پرستی و اکثریت این کتیبه ها به خط یونانی می باشد. در میان تحقیقاتی که انجام شده مطلبی که اشاره نماید که علامت اختصاری WLC به منطقه ارزگان اشاره می کند گزارشی دیده نشده است. ما این احتمال را از این جهت در این پژوهش آورده ایم که نشان داده شود که ما از نام این محل نیز که امروزه نام یکی از ۲۴ ولایت افغانستان است مطلع بوده ایم. اما نکته ای را که باید بدان اشاره نماییم آن است که کتیبه پرسپولیس از آن جهت برای تحقیق ما اهمیت داشت که در این کتیبه به نام محل ورازان به صراحت اشاره شده است و بنا بر اسناد تاریخی سنخیت بیشتری داشت تا دیگر مناطق که احتمال داده می شد که با نام ضراب خانه WLC یکی باشد.

به نظر ما نشانه اختصاری WLC می تواند به ضراب خانه ای در جنوب غربی استان فارس یعنی شهر برازجان کنونی تعلق داشته باشد.<sup>۱۱</sup>

در کتاب شهرستان های ایران که در آن از شصت شهرستان عصر ساسانی یاد شده توز<sup>۱۲</sup> یا توزگ چهل و پنجمین شهرستان به شمار می رفته است (دریایی، ۲۰۰۲: ۲۴). با توجه به نوشته های مورخان و جغرافی نویسان توز یا توج مهمترین شهری است که در دوره ساسانی و آغاز اسلامی در برازجان قرار داشت، توج در دوره ساسانی رونق خاصی در سطر هفت کتیبه فارسی میانه پرسپولیس از نرسه به عنوان موبد ورازان نام برده شده است.

(ut Narsih i magu warāzān) (نیرگ، ۱۳۸۱، قسمت اول، ۱۲۷). از نظر نگارندگان این کتیبه (کتیبه پرسپولیس) بدان جهت از اهمیت خاصی برخوردار است که به زبان فارسی میانه می باشد و امکان اینکه ورازان اشاره شده در کتیبه فارسی میانه با ضراب خانه ای که بر پشت تعدادی از سکه های ساسانیان یکی باشد و در منطقه جنوب غربی ایالت پارس واقع باشد بیشتر به نظر می رسد. کتیبه های یافت شده در ایالت اورزگان که امروزه در سرزمین افغانستان به زبان یونانی است و بیشتر در مورد آیین مهری و مناسک مربوط بدان اشاره شده است از طرف دیگر ایالت



پارس از سقوط شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر تا تشکیل شاهنشاهی ساسانی که بیش از یک هزاره طول کشید در راس توجهات بیشتری بوده است در مقایسه با ایالت‌های دیگری که تحت نفوذ پادشاهان ساسانی بوده‌اند. ساسانیان در قرن سوم میلادی از همان ایالتی برخاستند که هخامنشیان برخاسته بودند. در مطالعه آثاری که متون غیر مذهبی فارسی میانه خوانده می‌شود در طول دوره ی ساسانی تکوین یافته‌اند می‌توان به رابطه تنگاتنگ میان شاهان ساسانی با دیگر مسایل مربوط به امور کشور داری پی برد. ساسانیان که شاهنشاهیشان را کاملاً بر اساس عقاید زردشتی بنیاد نهاده بودند بنابراین بسیار بعید به نظر می‌رسد که ما به کتیبه‌های اورزگان که اشاره به آیین مهری می‌نماید در این تحقیق بهره ببریم در مقایسه با کتیبه فارسی میانه پرسپولیس. افزون بر آن باید این نکته را در نظر گرفت که تنها به یکسانی این نامها که در نقاط مختلف به کار رفته‌اند توجه نکرد بلکه بایستی کلیه مسایل مربوط به زبانشناختی، باستانشناسی با سایر مسایل تاریخی در نظر گرفته شود. در این پژوهش سعی گردیده که این کتیبه فارسی میانه نه تنها از جهت زبانشناسی بلکه به سایر مسایل تاریخی نیز پرداخته شد است. در زیر کتیبه فارسی میانه پرسپولیس همراه با آوا نویسی آورده شده است که مورد استفاده محققان سکه شناسی قرار گیرد.

1. māh spandarmat abar sāl dō mazdyasn bag šāpuhr šāhān šāh ērān

2. ut anērān kē čīθr az yazdān pat ān yāwar ka šāpuhr Sakān šāh Hind

3. Sakistān ut Tūristān tā drayāb danb pus mazdyasn bag  
Ohrmazd šāhān šāh ērān ud anērān

4. kē čīθr az yazdān az dar awēšān bagān namāz burd ut pat ēn rāh ī abar

5. Staxr andar ō Sakistān šud ut pat kirbagīh ēdar ō Sad-Stūn āmad uš

6. nān andar im xāng xward uš Warhrām ī naxw(ē) ōhrmazd Sakistān  
handarzpāt

7. ut Narsēh ī magu ī “Warāzān” (ut) Wēn ī Rēw-Miθrān ī Zarang  
šaθrap ut Narsēh ī dipiwar

8. (ut) abarīg pārsāzāt sakāzāt ut Zrangīkān ut frēstag az ī pādīgōsān ut  
sardar abā

9. būd hēnd uš wuzurg šādīh kart uš yazdān kirdagān framāt kardan uš

10. pidar ut niyākān āfrīn kird uš šāpuhr šāhān šāh āfrīn kirt uš xweš

11. afrīn kirt ōy-iz āfrīn kirt kē ēn mān kirt

12. yazdān.....(Nyberg,1381:127)

با توجه به تحول تاریخی واج صورت «و =V» آغازی که در تحول تاریخی بدل به «گ=g» و «ب=b» می‌شود (باقری، ۱۳۷۶: ۱۲۱). نرسه می‌تواند موبد ورازان یا همان برازجان<sup>۱۳</sup> باشد. در متن فارسی میانه مادیان هزار دادستان، آمده که مهر نرسه مرتکب گناهی شده اما به نوع گناه اشاره ای نشده است. او مابقی عمر خویش را در آتشکده ای بعنوان خدمتگزار سپری کرده است<sup>۱۴</sup> (perikhanian,1983:627-80).

در نتیجه میان منطقه ی محل تولد مهر نرسه در جنوب غربی استان فارس و نام پدر وی “براز” و نام مهر نرسه موبد ورازان و نشانه اختصاری ضراب خانه ناشناس یعنی WLC شباهتهایی وجود دارد که تصادفی به نظر نمی‌رسد.

از سوی دیگر تعداد اندک سکه های موجود با علامت اختصاری WLC نیز می‌تواند بحث انگیز باشد. به نظر ما نا شناس بودن محل ضرب سکه از دید محققان سکه شناسی یا قراءت های گوناگون نوشته پشت آن موجب شده که این سکه ها در مجموعه های گوناگون پراکنده شوند و یا به هنگام حمله اعراب به سرزمین ایران با توجه به مکان ضراب خانه که می‌تواند در شمار نخستین مناطقی باشد که به تصرف اعراب در آمده است، از میان رفته باشند. از سوی دیگر اگر این منطقه زیر نظر مهر نرسه اداره می‌شده است؛ در زمانی که نرسه مرتکب گناهی شده احتمالا کفاره گناه او می‌تواند از رده خارج کردن سکه هایی باشد که در این منطقه ضرب می‌شده است. واژه برازجان<sup>۱۵</sup> می‌تواند صورت تغییر شکل یافته واژه گرازجان باشد. (توکلی مقدم، ۱۳۷۵: ۱۴۱) به نظر می‌رسد که میان منطقه محل تولد مهر نرسه در جنوب غربی استان فارس و نام پدر وی براز و نام نرسه موبد ورازان و نشانه اختصاری ضراب خانه ناشناس یعنی WLC. شباهتهایی

وجود دارد. این احتمال وجود دارد که محل ضربانخانه؛ در جنوب غربی استان فارس یعنی برازجان باشد که با توجه به رونق منطقه در عصر ساسانی چندان بعید به نظر نمی‌رسد.



تصویر ۲.

سکه اردشیر سوم، سال ۲ پادشاهی او

وزن ۴.۰۲ گرم ضربانخانه WLC

(Göbl.SN II/1; Mochiri ENIS II)

تصویر از اینترنت Empire Sassanian

### نتیجه گیری

مهمترین ضراب خانه های ساسانی در ایالت پارس قرار داشتند دایما تعداد بسیاری درهم در این ضراب خانه ها به ضرب سکه های نقره با عیار ثابت و به مقدار زیاد می پرداختند. اما ظاهرا از معادن نقره و مس ایالت پارس نقره کمی به دست می آمد. بین کمی معادن نقره استان و فراوانی سکه ضرب شده در اواخر دوره ساسانی تناقضی وجود دارد. اما حجم معاملات تجاری ایرانیان تا حدوی باعث ضرب سکه های فراوان شده است. از قرن سوم میلادی، ساسانیان بر خلیج فارس و مناطق اطراف آن احاطه داشتند. از سکه هایی که در ضراب خانه های اصلی فارس ضرب می شده در مکانهایی که ساسانیان در آن بنادر یا مکان ها سرمایه گذاری کرده بودند پیدا شده است. سکه های ساسانی که در سواحل جنوب چین بدست آمده نشان دهنده تجارت با فارس است. سکه هایی که در ایالات شمال شرقی چین بدست آمده حاکی از رواج استفاده از سکه های ساسانیان در تجارت در مسیر جاده ابریشم است. بسیاری از این سکه ها متعلق به اواخر دوره ساسانی (اواخر قرن پنجم، ششم و اوایل قرن هفتم) میباشد که نشان دهنده اهمیت تجارت در منطقه خلیج فارس در اواخر دوره ساسانی است.

در اواخر دوره ساسانی تجارت در منطقه بین النهرین به دلیل افزایش تعرفه های صادراتی کاهش یافته بود. به علت جنگ با ارمنستان میزان تجارت در شمال کاهش یافته و حمل و نقل در جاده ابریشم دستخوش این گونه تحولات قرار گرفته بود. در آغاز قرن ششم، رومی ها از فروش مس و آهن به ایران ممانعت کردند همین امر باعث گردید که ساسانیان قیمت ابریشم را افزایش دادند. این اقدامات باعث شد که رومیان مجبور به یافتن راههای جدید برای تجارت شوند و راههایی به غیر از راههایی که به بین النهرین منتهی می شد را در نظر بگیرند. این تکنیک، به هر حال شکست رومیان را در بر داشت و باعث شد ایرانیان انحصار ابریشم را به مدت طولانی در دست بگیرند. در این زمان عربستان سعودی از مهمترین مراکز تجاری در اواخر دوره ساسانی محسوب می شد و مانع گسترش تجارت فراتر رومی ها از بین النهرین به غرب بود. شکست رومیان باعث افزایش اهمیت بنادر در خلیج فارس و شهرستانهای فارس گردید. بنادر به شهرستانهای داخلی متصل می شدند. کالاهای وارداتی که از شرق آورده شده بودند یا در این منطقه نگه می داشتند، و یا به تجار دیگر فروخته می شد. ساسانیان از ابتدا تجارت در خلیج فارس را در کنترل داشتند شواهد باستانشناسی نشان می دهد که بندر "بوشهر" در این دوره از اهمیت

خاصی برخوردار بوده است و توسط یک جاده به به شیراز و کازرون ارتباط می یافت که برای صدور کالا به مناطق دیگر و افزون بر آن نزدیکی آن با فارس، این بندر را به مرکز مهمی نه تنها برای صدور کالا به شهرستانهای داخلی محسوب کرده بود، بلکه به عنوان توقف گاهی برای بارگیری از عراق به آسیا، آفریقا و بالعکس محسوب می شد. مقدار کالاهایی که از این بندر به منطقه داخلی وارد می شد نا مشخص است. به هر حال، نه تنها کنترل تجارت در خلیج فارس مهم بود بلکه نشان دهنده بلند پروازی های ساسانیان بود که این منطقه را تحت کنترل خود در آورده بودند. شاید به همین دلیل بوده که ضرباب خانه های فارس در دوره ساسانیان به نقر سکه با عیار ثابت و به میزان فراوان می پرداخته اند و در تجارت های بین المللی از آنها استفاده می نمودند علی رغم آنکه ایالت فارس از معادن نقره و مس چندانی برخوردار نبوده است این امر ما را متقاعد می سازد ایالت فارس روابط اقتصادی با سایر نقاط دوردست داشته است. از جمله منابع مهم دیگر که در بر گیرنده اطلاعات مربوط به دوره ساسانی می باشند مهره ها و ظروف نقره می باشند که به اواخر دوره ساسانی بر می گردند. در حقیقت آنها مهمترین منابع اولیه برای بازسازی بوروکراسی در این دوران محسوب می شود و و نشان دهنده گسترش و درجه ای از فعالیت اقتصادی در این دوران محسوب می شوند. شایان ذکر می باشد که بسیاری از این مهره ها از ایالت فارس است که به جنوب شرقی چین رسیده است که نشان دهنده تاریخ اقتصادی ساسانیان و ایالت فارس است. از ضرباب خانه های شناخته شده ایالت فارس به وفور سکه به دست آمده است. بر اساس شواهد موجود و افزون بر آن منابع مکتوب فارسی میانه، عربی و فارسی، و همچنین بقایای باستان شناختی به معرفی ضربابخانه ای پرداخته شده است که تاکنون توسط محققان به عنوان ضرباب خانه ناشناس معرفی شده است. که با توجه به شواهد موجود احتمال داده می شود که در نواحی جنوب غربی ایالت پارس واقع شده باشد اشاره به شهر برازگان یا برازجان امروزی است که نزدیکی بندر بوشهر واقع شده است. به نظر می رسد که این سایت در شمار نخستین مناطقی باشد که به تصرف اعراب در آمده است، این احتمال نیز وجود دارد که سکه های این ضرباب خانه توسط مهاجمان از میان رفته باشد.

## یادداشت ها

۱. اسناد و منابع چینی سده ۴ تا ۱۲ میلادی همه جا پر از نام پارس، فارس، پاسو و ایران دارد (افشار، ۱۳۷۶: ۲۹۴).
۲. تلفظ امروزی آن بیشاپور است.
۳. املاهای دیگر این واژه اصطخر است.
۴. درمورد تشکیل قباد خوره و جغرافیای آن آمده است که قباد اول ساسانی، شهرام قباد را بنا نهاد و این شهر بیست که به نام بیرام معروف است و ارجان هم نامیده می شود. وی برای این شهر کوره ترتیب داد که شامل رستاق کوره شهرسورق (یعنی دورق) و کوره رام هرمز شد. بدین گونه در زمان ساسانیان برای نخستین بار استان قباد خوره یا ارجان (کهگیلویه امروزی) با مرکزیت شهر ارجان پای به عرصه تقسیمات جغرافیای کشوری می نهد (گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۰).
۵. استخر در نزدیکی شهر باستانی پرسپولیس قرار داشته است، که از مهمترین شهرهای فارس محسوب می شده است.
۶. بیشاپور نام بخشی از فارس است و در دوره ساسانی از جمله شهرهای مهم محسوب می شد.
۷. برای اطلاعات بیشتر در مورد مهر گلی که نام شهر «داراب گرد» به صورت کامل بر آن حک شده است رجوع شود به (Gignoux and Gyselen, 1987: 40).
۸. یکی از این سکه ها در سال ۲۱ پادشاهی خسرو اول ضرب شده بود.
۹. قراءت نیشاپور به جای نیشاپور امروزی از سل وود و مورد تمین است.
۱۰. نام این ضرابخانه تاکنون ناشناخته بوده است.
۱۱. به هنگام طرح این پیشنهاد با اساتید صاحب نظر از جمله تورج دریایی و شیندل به این نتیجه رسیدیم که آنها نیز این ضراب خانه را بعنوان ضراب خانه ناشناس می شناسند.
۱۲. در نتیجه ی فعالیت های چندین سال اخیر باستان شناسان بقایای محوطه های وسیعی از دوره ساسانی و آغاز اسلام در برازجان در مکانهای سعدآباد، محمد آباد و زیراوه شناسایی شده است که می توان محل امروزی توزگ ساسانی یا توج اسلامی را از این محدوده به حساب آورد. (اقتداری، ۱۳۷۵: ۹۳، ۹۷).
۱۳. مهرنرسه بزرگ فرماندار در طی سلطنت یزدگرد اول (۴۲۱-۳۹۹--)، بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۹)، یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۹) و پیروز (۴۵۹-۴۸۴) و از معدود شخصیت های دوره ساسانی است که صاحب کتیبه بوده است. (Frye, 1973: 146).

مهر نرسه در سده چهارم میلادی در قریه ابروان در دشت برین از توابع اردشیر خوره در جنوب غربی استان فارس بدینا آمد. در منابع عربی پدر وی 'براز' نامیده شده است. او ممکن است صاحب منطقه ای باشد که مهر نرسه در آنجا متولد شده است (تاریخ نامه طبری، ۱۳۸۷، ج ۱/ ۱۰۵).

۱۴. متن پهلوی -. *ōy bay wahrām šāhān šāh yazdgirdān mihr-narseh ī wuzurg*.

*framādār pad bandagīh ō ātaxš ī ardwahišt ud ātaxš ī abzōn-ardaxšīr dād*  
۱۵. واژه (براز-جان) را مرکب از "گراز" (همان حیوان وحشی) و پسوند "دان" دانسته‌اند که به مرور «دان» جایش را به «جان»- داده است.

از سوی دیگر گروهی برازجان را با فتح باء ، به معنی برازندگی، زیبایی، نیکویی و آراستگی دانسته‌اند و گویند چون آنجا دشت وسیع و خوبی برای بنیاد شهر بوده به این نام موسوم گردیده است. سالخوردگان شهر معتقدند که براز به معنای فضای وسیع بی‌درخت است (توکلی مقدم، ۱۳۷۵: ۱۴۱).

منابع و مأخذ

۱. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۶) جغرافیای تاریخی دریای پارس، تهران: سوره.
۲. امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۸۳). تقسیمات کشوری تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۳. اقتداری، احمد. (۱۳۷۵). آثار شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس و دریای عمان، چاپ دوم، تهران.
۴. باقری، مه‌ری. (۱۳۷۶)، تاریخ زبان فارسی: انتشارات قطره.
۵. بیانی، ملک‌زاده، (۱۳۵۴). پژوهشی درباره سکه های بهرام ششم «چوبینه»، بررسی تاریخی. ش. ۵۶.
۶. تاریخ نامه طبری. (۱۳۷۸). گردانیده منسوب به ابوعلی بلعمی، تصحیح محمد روشن ج. ۱، تهران: سروش.
۷. توکلی مقدم، غلامحسین. (۱۳۷۵). وجه تسمیه شهرهای ایران (بررسی معانی نامهای شهرهای ایران از ۸ دوران کهن تا عصر حاضر)، تهران: میعاد.
۸. حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیاء) تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۹. دریایی، تورج، (۱۳۹۲). نا گفته های امپراتوری ساسانیان، ترجمه آهنگ حقانی، محمود فاضلی بیرجندی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۱۰. حموی، یاقوت، (۱۳۹۹). معجم البلدان، بیروت، لبنان: دار احیا التراث.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۴۶). تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران: امیرکبیر.
۱۲. سرفراز علی اکبر، آوزمانی، فریدون، (۱۳۸۳)، سکه های ایران از آغاز تا دوران زنده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۳. شواتس، پاول. (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی فارس. ترجمه جهاننداری کیکاوس، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۹). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی ف تهران: ابن سینا.
۱۵. کیان راد، حسین. (۱۳۸۸) اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایالت پارس از زمان خسرو انوشیروان تا پایان دوره ساسانی (۶۵۲-۵۳۱ م.)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ایران باستان دانشگاه تهران، (استاد راهنما و مشاور: دکتر ژاله آموزگار و دکتر شیرین بیانی)



۱۶. گاوبه، هانیس. (۱۳۵۹). ارجان و کهگیلویه، ترجمه سعید فرهودی، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
۱۷. گیرشمن، ر.، ۱۳۷۵، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. مشکور، محمد جواد. (۱۳۶۶). تاریخ ایران زمین، تهران: اشراقی.
۱۹. نهجیری، عبدالحسین. (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی شهرها، تهران: انتشارات مدرسه وابسته به دفتر انتشارات کمک آموزشی.
۲۰. نیبرگ، هنریک، ساموئل. (۱۳۸۱). دستورنامه پهلوی، گزیده متن‌های پهلوی: انتشارات اساطیر.
- ۲۱.
21. Bivar, A.D.H. (1963). "A Sasanian Hoard from Hilla": NC., pp. 157-178.
22. \_\_\_\_\_, (1954). "The Inscription of Uruzgan" *Journal of the royal Asiatic of great Britain and Ireland*, No.3/4(Oct.1954), pp112\_118.
22. Colledge, M.A.R., (1967), *The Parthian, Ancient Peoples and Places*, Fredrick A. Praeger, New York.
23. Daryaei, T. (2002). *Shahrestanhaye Eransahr*, California: Mazda Publishers.
24. Frye, R.N. (ed.). (1973). *Sasanian Remains from Qasri-abu Nasr*, Cambridge: Harvard University press.
25. Gaube, H. (1973). *Arabosasanidische Numismatik (Handbucher der mittelasiatischen Numismatic II)*: Braunschweig.
26. Gignoux, p. and Gyselen R. (1987). "Bulles et sceaux Sassanides de diverses collection, [Cahier de Studia Iranica n° 4]", Paris, Association pour l'avancement des études iraniennes, 307 p., XXIII pl.
27. Gobl, R. (1954). "Aufbau der Münzprägung" in F. Altheim and R. Stiehl, *Ein asiatischer Staat*. "Feudalismus unter den Sasaniden und ihren Nachbarn", Wiesbaden, pp. 51-128.

28. \_\_\_\_\_ (1971). *Sasanian Numismatics*: Braunschweig, reprinted 1991.
29. \_\_\_\_\_ (1973). “Der Sasanidische Munzfund von Seleucia (Veh-Ardaser)”, *Mesopotamia*, vol. 8/9, pp. 239-240.
30. Gyselen, R. (1979). “Ateliers monétaires et cachets officiels sasanides”, *Studia Iranica*, vol.8/2, pp. 189 -212.
31. Gyselen, R., and Kalus, I. (1983). *Deux trésors monétaires des premiers temps de L’Islam*: Paris, Bibliothèque nationale de France, pp. 141-158.
32. Herzfeld, E. (1938). “Notes on the Achaemenid coinage and some Sassanian Mint- Names”, in J. Allan, H. Mattingly, and E.S.G. Robinson (eds.), *Transaction of the International Numismatic Congress*: London, pp. 413-426.
33. Horn, P. (1893). *Grundriss Der Neupersischen Etimologie*: Strassburg.
34. Mackenzi, D.N., (1970). *A Concise Pahlavi Dictionary*: London, Oxford University Press.
35. Malek, H.M. (1993). *A Survey of Research on Sasanian Numismatic*: London.
36. Mochiri, M.I. (1972). *Etudes de numismatique iranienne sous les Sassanides Tome I*: Tehran.
37. Mordtmann, A.D. (1879). “Zur pehlevī -Münzkunde, II:Die Pragestätten der Sassaniden –Munzen”, *ZDMG*, **33**, pp. 82-142.
38. Paruck, F.D. J., (1944).“Mint-Marks on Sāsānian and Arab Sāsānian Coin”. *Journal of the Numismatic Society of India*, **6**, pp. 65-137.

39. Perikhanian, Anahita G. (1983). "Iranian Society and Law", in the *Cambridge History of Iran III/2*: Cambridge, Cambridge University Press, pp. 627-80.
40. Sears, S.D. (1997). *A Monetary History of Iraq and Iran, Ca. CE 500 to 750*, vol.1: Chicago, University of Chicago, Department of Near Eastern Languages and Civilization.
41. Sellwood, D., and Williams, R. (1985). *An Introduction to Sasanian Coins*, London: Spink & Son.
42. Walker, J. (1941). *A catalogue of the Arab-Sassanian coins*: London.